



کسانی که رهبران الهی را رها کردند به حضيض اومانیسم می‌رسند

کسانی که رهبری رهبران الهی را رها کردند و به دنبال گمشده خود بدون راهنما می‌گردند به حضيض اومانیسم می‌رسند؛ آنها نمی‌دانند موجودی که وابسته به غنی محض است نمی‌تواند به این صورت مستقل باشد.

کسانی که رهبری رهبران الهی را رها کردند و به دنبال گمشده خود بدون راهنما می‌گردند به حضيض اومانیسم می‌رسند؛ آنها نمی‌دانند موجودی که وابسته به غنی محض است نمی‌تواند به این صورت مستقل باشد.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در جلسه درس اخلاق هفتگی خود که به روال پنج شنبه ها در محل نمازخانه بنیاد بین المللی علوم وحیانی اسراء و پس از اقامه نماز ظهر و عصر برگزار شد، به بیان نکاتی درباره چگونگی دستیابی انسان به کمالات اخلاقی اشاره و اظهارداشت: انسان از آن جهت که، شئون متعددی دارد و این شئون با هم درگیر هستند و هر کدام از آنها تمامیت خواه هستند، رعایت همه این شئون از یک سو، تنظیم و تعدیل این امور از سوی دیگر، وظیفه انسان متخلّق است.

وی ادامه داد: ما اگر بخواهیم به خلق الهی و عظیم حضرت رسول اکرم(ص) تأسی کنیم هیچ چاره‌ای نداریم مگر اینکه اعضا و جوارح درون خود را بشناسیم سپس سیمت هر کدام از اینها را ارزیابی کنیم در ادامه هر کدام را در جای خود مأموریت بدهیم و در نهایت آنها را تعدیل کنیم و نه تعطیل. در این میان آنچه مهم است آن است که رهبری اینها را به دست قلب و عقل بدهیم تا انسان بشود متخلّق و سالک راهی بشود که راهنمای او صاحب «انک لعلي خلق عظیم» است.

آیت الله جوادی آملی متذکر شد: در بخش اندیشه، وهم از یک سو و خیال از سوی دیگر داعیه استقلال دارند؛ هر کدام از اینها سعی می‌کنند از رهبری عقل نظر فاصله بگیرند و لذا همواره یک جهاد علمی بین وهم و خیال از یک سو و عقل اندیشور از سوی دیگر در جریان است، این یک جهاد درونی است.

وی تصریح کرد: قسمت مهم این جهاد درونی در بخش‌های عقل عملی است؛ شهوت از یک سو، غضب از سوی دیگر با عقل عملی درگیر هستند؛ هر کدام از اینها راهی دارند و داعیه استقلال دارند و آن‌که بتواند نیروی جذب و دفع یعنی شهوت و غضب را به رهبری عقل تعدیل کند و نه تعطیل، در این مبارزه موفق است.

معظم له رسیدن به مقام "عادل عاقل" را اصل اساسی در اخلاق دانست و خاطرنشان کرد: انسان باید بین قلمرو اندیشه که رهبری آن را عقل نظر به عهده دارد و حوزه انگیزه که رهبری آن را عقل عمل به عهده دارد تعدیل ایجاد کند تا شخص بشود عاقل عادل؛ چرا که نه از هر عاقل به تنهایی کاری ساخته است و نه از هر عادل تنها کاری ساخته است، با علم تنها و با عدل تنها نمی‌شود جامعه را اداره کرد. عدل محض بدون علم و اندیشوری، مشکل را حل نمی‌کند اگر عقل که عهده‌دار و متولّی فکر است و عدل که عهده‌دار و متولّی عمل است با هم هماهنگ شدند انسان می‌شود خلیفه‌الله.

وی اذعان داشت: این ظرفیت برای انسان هست که انسان بشود جانشین خدا، آن استقلال طلبی و کبرپایی و بزرگواری که انسان به دنبال اوست در خلافت او نهادینه شده است، کسانی که رهبری رهبران الهی را رها کردند و به دنبال گمشده خود بدون راهنما می‌گردند به حضيض اومانیسم می‌رسند؛ آنها نمی‌دانند موجودی که وابسته به غنی محض است نمی‌تواند به این صورت مستقل باشد.

آیت الله جوادی آملی در فراز پایانی فرمایشات خود، وظیفه حوزویان و دانشگاهیان را پرورش فطرت خداجوی مردم عنوان کرد و گفت: مأموریت عالمان حوزوی و دانشگاهی و همه شما برادران و خواهران که با قرآن و عترت(علیهم الصلاة و علیهم السلام) مأنوسید این است که حرف الهی را به جان مردم برسانید؛ مردم جانمایه فراوان و دلمایه الهی دارند، درون مردم نهادی است پر از علم و الهام و فجور و تقوا. خداوند فرمود من شما را معجونی از علوم آفریدم و به شما نیرویی دادم که بعد از فهمیدن فجور و تقوا عمل کنید؛ به شما یک قاضی و محکمه درونی به نام نفس لواّمه دادم که اگر بیراهه رفتید مرتب از درون به شما هشدار بدهد، باید بدانیم که این نفس لواّمه از بهترین برکات الهی است.